

عوامل مؤثر در گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان خوزستان

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۶

ایمان ممبئی^۱

علی قاسمی اردهائی^۲

چکیده

با توجه به شکاف توسعه بین استان خوزستان و سایر استان‌ها، به نظر می‌رسد این استان و به‌ویژه مراکز شهری و دانشگاهی آن، به محل دافعه نیروی متخصص و کارآمد بدل شده که این مسئله فرایند توسعه استان را بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این مقاله با در نظر گرفتن نظریه‌های «سرمایه انسانی» و ارتباط آن با «مدل هزینه-فایده» و نیز نظریه «جاذبه-دافعه»، علل گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به سایر استان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. برای ارزیابی مدل و شناخت تأثیر عوامل مختلف بر میزان تمایل به مهاجرت، از روش پیمایش استفاده شده و ۴۰۰ نفر از اساتید دانشگاه‌های علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، شهید چمران، دانشکده نفت، دانشگاه کشاورزی رامین، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه پیام نور اهواز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد داشتن تجربه اقامت در سایر استان‌ها، بالا رفتن میزان سابقه کاری اساتید، نحوه ارزیابی وضع موجود از نظر عوامل اقلیمی-جغرافیایی، امنیتی، اجتماعی-فرهنگی و عوامل خدماتی-رفاهی در استان خوزستان، از متغیرهای تأثیرگذار بر تمایل اساتید دانشگاه‌ها به مهاجرت خارج از استان است. یافته‌های این پژوهش، مؤید نظریه‌های سرمایه انسانی و جاذبه و دافعه برای تبیین گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به سایر استان‌ها است. جهت جذب و نگهداری نیروی‌های متخصص و تحصیلکرده در این استان، پیشنهادهای ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

گرایش به مهاجرت، سرمایه انسانی، هزینه-فایده، جاذبه-دافعه، خوزستان.

۱. عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی خوزستان

۲. دانشجوی دکتری جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و هیئت علمی دانشگاه پیام نور

مقدمه و طرح مسئله

استان خوزستان سهم قابل ملاحظه‌ای در فرهنگ، اقتصاد، تاریخ و جغرافیای ایران داشته و با داشتن قابلیت‌های طبیعی و منابع معدنی فراوان توانسته نقش مهم و سازنده‌ای در پویایی صنعت ایران ایفا کند. از زمان حفر اولین چاه نفت (۱۲۸۷ خورشیدی) در مسجد سلیمان تا امروز این استان ضمن برخورداری از نیروگاه‌ها، سدهای آبی، پالایشگاه‌های نفت و گاز، مجتمع‌های پتروشیمی و بنادر مهم، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های اقتصادی، در توسعه ایران نقش بسیار مهمی را ایفا نموده است. با این حال استان خوزستان علی‌رغم توانمندی‌های زیاد اقتصادی، کشاورزی، منابع آب، نفت، گاز و سایر معادن فلزی، موقعیت خاص جغرافیایی (جلگه‌ای، آبرفتی) و نیز موقعیت ممتاز ترانزیتی در سطح کشور و راه‌های دریایی بین‌المللی، اتصال به راه‌آهن سراسری، جاده‌ها و فرودگاه بین‌المللی، جایگاه متناسب خود را به لحاظ توسعه در رتبه‌بندی استان‌های کشور به دست نیاورده است و طبق محاسبات سالیانه معاونت برنامه‌ریزی کشور در بین ۳۰ استان، بر حسب سطح توسعه‌یافتگی در ردیف‌های میانی ارزیابی می‌شود.

در فاصله زمانی منتهی به سرشماری ۱۳۸۵ تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان خوزستان به ترتیب ۱۷۰ هزار و ۲۷۹ هزار نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) و در نتیجه خالص مهاجرت ۱۰۹- هزار نفر بوده است. همچنین در فاصله دو دهه منتهی به سال ۱۳۷۵ خالص مهاجرت به استان ۲۰۶۲۹۵- نفر (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵) بوده که بیانگر مهاجر فرستی استان در فاصله زمانی ۸۵-۱۳۵۵ می‌باشد. منفی بودن خالص مهاجرت افراد با تحصیلات آموزش عالی (کارشناسی و بالاتر) از مسائل اصلی استان بوده که سبب کمبود نیروی انسانی ماهر و تشدید عقب‌ماندگی استان شده است.

با توجه به شکاف توسعه بین استان خوزستان و سایر استان‌ها، به نظر می‌رسد استان خوزستان و به ویژه مراکز شهری و دانشگاهی آن به محل دافعه نیروی متخصص و کارآمد بدل شده و مهاجرت نیروی متخصص و نخبه در این استان به صورت معضلی بزرگ درآمده که شدیداً فرایند توسعه استان را تحت تأثیر قرار داده است و از این‌رو نیاز به راه‌حل فوری و اساسی دارد (هاشمی، ۱۳۷۵؛ حاجی حسینی، ۱۳۸۴؛ حزباوی، ۱۳۸۶). پژوهش ارشاد و حزباوی (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰ درصد نیروی کار در شهر اهواز تمایل به مهاجرت داشته‌اند. لذا در این پژوهش با استعانت از نظریاتی که در باب علل مهاجرت نیروهای تحصیل کرده و نخبه موجود است، به واکاوی عوامل مؤثر در تمایل بر مهاجرت اساتید شش

دانشگاه شهر اهواز پرداخته شده است.

مطابق بررسی اسکلدون^۱، کسانی که مهاجرت می‌کنند معمولاً از بین افراد تحصیل کرده‌تر جامعه هستند. افراد باسوادتر موقعیت‌های شغلی را که در دیگر مناطق وجود دارد بهتر شناسایی کرده و با موقعیت‌های جدید بهتر برخورد می‌کنند. اولین مهاجران از هر جامعه‌ای به نحو تقریباً تغییرناپذیری از نخبگان آن محل هستند (اسکلدون، ۱۳۸۰: ۱۱۵). مبداهای مهاجرین که اکثراً از نقاط کوچک‌تر و محروم‌تر هستند، سرمایه‌گذاری عظیمی بر نیروی انسانی خود نموده، ولی به دلیل نداشتن سیستم‌های جذب افراد تحصیلکرده همانند؛ دانشگاه‌ها، ادارات و صنایع بزرگ و غیره، بسیاری از نیروهای انسانی ماهر خود را از دست می‌دهند، که این امر مسائل مختلفی را در سطح جامعه به وجود می‌آورد. مسئله‌آمیزترین جنبه این الگوی مهاجرت، محروم شدن مناطق فرستنده از نیروی انسانی ماهر با تحصیلات عالی است. نیروی انسانی متخصص و ماهر در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر جامعه‌ای نقش اساسی دارد. سرمایه مادی در هر جامعه‌ای با نیروی انسانی متخصص و کارآمد است که به جریان افتاده و به توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه می‌انجامد.

سرمایه انسانی می‌تواند منابع و توانمندی‌های بالقوه اقتصادی را با عقل، درایت و مدیریت خود با ترکیبی بهینه به کار گیرد و در نهایت به شکل محصول (کالا و خدمات) به جامعه عرضه نماید. از این جهت خروج نیروهای متخصص منجر به از دست دادن زمینه‌ها و عوامل توسعه‌ای در مناطق مهاجرفرست می‌شود و دستاوردهای علمی و فنی آن، نصیب مناطق مهاجرپذیر می‌شود که از امکانات مناسبی برای بهره‌برداری بهینه از آن برخوردارند. اثر منفی دیگری که در نتیجه جریان مهاجرت متخصصان ایجاد می‌شود، اثرات جانبی ناشی از کاهش تعداد متخصصان است. به طور کلی با مهاجرت نخبگان (افراد با تحصیلات بالا و اساتید دانشگاه‌ها) از سرمایه انسانی مناطق مبدأ مهاجرت کاسته شده و هزینه‌های صرف شده برای تربیت متخصصان که مهاجرت کرده‌اند و منافع آن، عاید مناطق مقصد خواهد شد.

اصولاً هدف از مطالعه نگرش‌ها و گرایش‌ها، تأثیرگذاری بر رفتار است، به دلیل این که انواع گرایش‌ها به عنوان شاخص‌ها یا عوامل پیشگویی رفتار شناخته شده‌اند. در پیمایش‌های گرایش به مهاجرت، بیشترین هدف دستیابی به آستانه مهاجرتی است. «آستانه مهاجرتی» نقطه‌ای است که فرد احتمالاً در آن نقطه از نظر روحی، روانی و دیگر ویژگی‌های فردی از موطن خویش - حداقل از نظر پیوندهای فکری - گسسته شده و از آن به بعد در تلاش برای بوم‌گزینی

جدید است. شاید بتوان با مسامحه گفت که جهت اندیشه و پیوند فکری- معنوی فرد در آستانه مهاجرتی تغییر کرده و وی را به مهاجرت راغب می‌سازد (کاظمی پور، ۱۳۷۴: ۳۲؛ رجبی، ۱۳۸۰: ۹؛ شریفی، ۱۳۷۶: ۱۵). بنابراین، با مطالعه گرایش به مهاجرت و بررسی عوامل مؤثر بر آستانه مهاجرتی افراد، می‌توان از احتمال وقوع رفتاری در آینده باخبر شد و فرصت کافی به دست آورد تا بتوان این موج رفتاری را به نحو احسن سازمان داد.

متأسفانه آمارها و شواهد گویای آن است که استان خوزستان با توجه به جایگاه نامطلوب از لحاظ بعضی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بین استان‌های کشور (قلانی، ۱۳۸۸) و سایر عوامل که ما در این تحقیق به دنبال شناسایی آن‌ها و سهم‌شان در این فرآیند هستیم، با پدیده مهاجرت نخبگان مواجه است. بررسی پیش‌رو از لحاظ برنامه‌ریزی برای امور آموزشی، شغلی، استخدامی، مسکن و غیره شهر تهران یا سایر شهرهایی که غالباً به عنوان مقصد مهاجرت در نظر گرفته می‌شوند نیز می‌تواند مهم باشد. اهدافی که در این تحقیق به آن پرداخته شده به شرح ذیل است:

- آگاهی کلی از میزان گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان
- شناخت نگرش اساتید نسبت به جاذبه‌ها و دافعه‌های شهر اهواز (عوامل کششی و رانشی) و تأثیر آن‌ها بر گرایش به مهاجرت
- آگاهی از میزان گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به تفکیک جنسیت، سن، مدرک تحصیلی، مرتبه علمی، وضعیت استخدامی، سابقه کار و وضعیت تأهل
- آگاهی از میزان گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به تفکیک بومی و غیر بومی بودن

مبانی نظری

الگوها و روندها در مهاجرت بیانگر آن هستند که تنها با تأکید بر یک رشته یا یک سطح تحلیل نمی‌توان جریان‌های مداوم مهاجرتی را تبیین کرد؛ بلکه ماهیت چندوجهی آن نیازمند نظریه پیچیده‌ای است که دورنماها، فرضیه‌ها و سطوح گوناگون را دربرگیرد (مسی و دیگران، ۱۹۹۳: ۴۳۱). جهت تبیین نظری مسئله تحقیق، به نظریه‌های محرومیت نسبی، سرمایه انسانی (هزینه-فایده) و جاذبه-دافعه توجه شده است.

مطابق با نظریه محرومیت نسبی، رفاه و خشنودی خانوار نه تنها از افزایش در وضعیت صرف اقتصادی ناشی می‌شود؛ بلکه هم‌چنین از طریق مقایسه با دیگر خانوارها در اجتماع

مرجع^۱ صورت می‌گیرد. یعنی این که خانوارها نه تنها در جهت بهتر شدن درآمدشان فعالیت می‌کنند، بلکه می‌خواهند درآمدشان را نسبت به درآمد دیگران در اجتماع ترفیع دهند. گرچه در صورت پایین بودن درآمد خانوارها، آنها به مهاجرت برانگیخته می‌شوند، ولی اگر سطح درآمد در همه جا پایین باشد؛ سطح انگیزش کاهش خواهد یافت. اگر برخی خانوارها درآمد بیشتری داشته باشند، خانوار فقیر، هم به طور نسبی و هم به طور مطلق احساس محرومیت کرده و انگیزه مهاجرت به همان نسبت بالاتر خواهد رفت (مسی، ۱۹۹۰: ۱۳). در چارچوب نظریه محرومیت نسبی، فرد مهاجر یا فردی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرد دو موقعیت را ارزیابی می‌کند؛ از یک سو، وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را با دیگران و از سوی دیگر وضعیت محل مبدأ را با محل مقصد ارزیابی و مقایسه کرده و در نتیجه این مقایسه، در خصوص مهاجرت کردن یا مهاجرت نکردن، تصمیم می‌گیرد.

نظریه سرمایه انسانی^۲ که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای نیروی انسانی پرورده، بسیار مناسب شناخته شد. این نگرش با تلقی مهارت و تخصص انسان به عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی پرورده برای دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیشترین بازدهی را داشته باشد. بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۸). نظریه سرمایه انسانی با مدل هزینه-فایده^۳ مرتبط است که در آن ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود. مطابق با تقسیم‌بندی استارک، هزینه‌های مهاجرت موارد زیر را شامل می‌شود: هزینه‌های پولی مستقیم ناشی از مسافرت (حمل و نقل، مسکن و غیره)، هزینه‌های اطلاعات و تحقیق (زمان، پول، شناسایی شغل‌های موجود و به دست آوردن آنها)، هزینه‌های فرصت (کنار گذاشتن درآمد در حالی که به خاطر کار، مسافرت و غیره تحقیق می‌کند)، و هزینه‌های روحی (ترک محیط آشنا و حرکت به یک محیط غریب) (استارک، ۱۹۸۴).

اورت لی^۴ نظریه مهاجرت خود را به عنوان مفهومی که حاوی عوامل مبدأ و مقصد، مجموعه موانع مداخله‌کننده و یک سلسله عوامل شخصی است به منظور تنظیم فرضیه‌های عمومی در خصوص حجم مهاجرت، گسترش جریان و ضدجریان مهاجرت و خصوصیات مهاجرین به کار

1. Reference Community
2. Human Capital Theory
3. Cost-Benefit Model
4. Everett's Lee

می‌برد (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۴). نظریه‌ی لی به «نظریه‌ی جاذبه-دافعه»^۱ مشهور است. بر اساس این نظریه عوامل جاذبه‌ی مقصد و دافعه‌ی مبدأ، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره، گرایش به مهاجرت فرد را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مرحله‌ی بعد و در صورت مهیا بودن شرایط و امکانات مناسب، این گرایش تبدیل به رفتار می‌شود. در کنار این عوامل، مقولاتی چون هزینه‌های مهاجرت، ویژگی‌های روحی و روانی، ارزش‌ها و آمال افراد، گرایش به مهاجرت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در مدل لی، زمانی که عوامل دافعه (منفی) در مبدأ و از سوی دیگر عوامل جاذبه (مثبت) در مقصد بیشتر باشند، احتمال تصمیم به مهاجرت بالا می‌رود.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در تحقیق حاضر پیمایش و ابزار اصلی آن، پرسشنامه‌ی محقق ساخته است. در طراحی پرسشنامه از نظرات تکمیلی اساتید و اجرای آزمایشی بر روی تعدادی از اعضای هیئت علمی برای افزایش روایی و اعتبار آن بهره‌گیری شد. جامعه‌ی آماری پژوهش را کلیه‌ی اساتید تمام وقت و حق‌التدریس دانشگاه‌های علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز، شهید چمران، دانشکده‌ی نفت، دانشگاه کشاورزی رامین، دانشگاه آزاد اسلامی (واحدهای علوم و تحقیقات اهواز و نیز واحد اهواز) و دانشگاه پیام نور اهواز که در نیم سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۸ در این دانشگاه‌ها مشغول تدریس بوده‌اند (۱۳۲۰ نفر)؛ تشکیل می‌دهند. حجم نمونه در شش دانشگاه فوق ۴۰۰ نفر برآورد شد. تعاریف عملیاتی مفاهیم اصلی تحقیق در ذیل می‌آید.

میزان تمایل به مهاجرت به خارج از استان: برای سنجش میزان تمایل به مهاجرت به خارج از استان، عبارات ذیل همراه با یک طیف پنج قسمتی از تمایل خیلی کم تا خیلی زیاد مطرح شده‌اند: «تمایل به مهاجرت به خارج از استان بعد از اتمام دوران خدمت و بازنشستگی»، «تمایل به مهاجرت به خارج از استان در صورت فراهم شدن شرایط کاری و امکانات زندگی»، «تمایل به مهاجرت به خارج از استان حتی در صورت به دست آوردن جایگاهی پایین‌تر از شایستگی خود». با توجه به این‌که گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت تهیه شده‌اند، بنابراین از مجموع امتیازات هر فرد درباره‌ی هر یک از عبارات ذکر شده، نمره‌ی (فاصله‌ای) میزان تمایل به مهاجرت به خارج از استان به دست می‌آید.

عوامل رانشی و کششی: از چندین مؤلفه با عنوان عوامل اقلیمی-جغرافیایی، عوامل

1. Pull-Push Theory

عوامل مؤثر در گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان خوزستان — ۱۱۵

اقتصادی، عوامل امنیتی، عوامل اجتماعی- فرهنگی و عوامل خدماتی- رفاهی تشکیل شده و جهت سنجش آنها از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مطلوب تا کاملاً نامطلوب) استفاده شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

عوامل اقلیمی- جغرافیایی: شامل؛ وضعیت آب و هوایی استان، میزان آلودگی هوا (گرد و غبار و...)، میزان بیماری‌های فصلی (حساسیت‌های فصلی، گرمادگی و...)، فاصله جغرافیایی استان از مرکز (تهران) و فاصله از کانون‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در مرکز کشور؛
عوامل اقتصادی: شامل تناسب میزان بدی آب و هوا با هزینه‌های ناشی از آن، نحوه نظارت و کنترل بازار در شهر اهواز، وضعیت قیمت‌ها و تورم در شهر اهواز (در مقایسه با شهرهای دیگر)، قیمت مسکن در شهر اهواز (خرید، اجاره و رهن)، نحوه سرمایه‌گذاری اقتصادی در استان و وجود فرصت‌های شغلی مناسب برای فرزندان؛

عوامل امنیتی: شامل؛ میزان وقوع جرائم در شهر اهواز، وضعیت امنیت اجتماعی در خیابان‌ها، مراکز خرید و سایر اماکن عمومی، ضریب امنیت خانواده، وجود سلاح‌های غیرمجاز نزد مردم، وضعیت اعتیاد در شهر، نحوه عملکرد نیروی انتظامی استان، نحوه عملکرد دستگاه قضایی استان، میزان وجود آزادی فعالیت‌های سیاسی در استان و میزان وجود ثبات و امنیت در مرزها؛

عوامل اجتماعی- فرهنگی: شامل؛ وضعیت دسترسی به ارتباطات بین‌المللی و شرکت در کنفرانس‌ها و مجامع علمی، میزان امکانات مربوط به گذران اوقات فراغت، وضعیت گرایش‌های قومی در ادارات دولتی، سطح فرهنگی عمومی در شهر، وجود مراکز هنری و فرهنگی در شهر (فرهنگسرا، سالن تئاتر، خانه موسیقی، موزه‌ها، سینماها و...)، وضعیت اسکان در حاشیه شهر اهواز، وضعیت رعایت هنجارها و ارزش‌های اخلاقی در سطح شهر، میزان امکانات لازم برای شکوفایی استعدادها و فرزندان، وضعیت بازارها و فروشگاه‌های شهر، وضعیت خرده‌فرهنگ‌های قومی در سطح شهر اهواز، کیفیت مراکز آموزشی برای فرزندان (مدارس، زبانکده‌ها، آموزشگاه‌های کنکور و...)، وضعیت گرایش‌های قومی در مراکز دانشگاهی و امکانات و منابع کتابخانه دانشگاه؛

عوامل خدماتی- رفاهی: شامل؛ وضعیت آب آشامیدنی شهر، وضعیت پارک‌ها و مکان‌های تفریحی شهر، وضعیت خدمات پزشکی و درمانی شهر، میزان فضای سبز در شهر، کیفیت و نحوه ارائه خدمات شهری، وضعیت سیستم حمل و نقل درون‌شهری، میزان دسترسی به خانه‌های سازمانی، وضعیت سیستم حمل و نقل برون‌شهری و میزان امیدواری به بهبود و پیشرفت استان در شاخص‌های خدماتی- رفاهی در سال‌های آینده، وضعیت امکانات و تسهیلات ورزشی

(استخر، باشگاه‌ها، کلوپ‌ها و...)، وضعیت و کیفیت خانه‌های سازمانی و وضعیت خدمات‌رسانی اداره برق (ثبات یا نوسان برق)؛

عوامل مدیریتی: شامل؛ میزان ثبات در مدیریت استان، وضعیت زمینه‌های رشد و پیشرفت علمی و تحقیقاتی در سطح دانشگاه، وضعیت نظام اداری در سازمان‌ها و ادارات استان، وضعیت نظام اداری در دانشگاه و میزان رعایت شایسته‌سالاری در تصدی پست‌ها و مناصب دانشگاهی، میزان هماهنگی میان مدیریت کلان استان، میزان ارزشگذاری و احترام به متخصصان بومی و ساکن در استان، میزان به کارگیری نیروهای دانشگاهی و متخصص در امور اجرایی و مسئولیت‌های مهم استان، شیوه برخورد و نگرش مسئولین استان به مشکلات مردم، نحوه رفتار و برخورد مدیران استان با نیروهای دانشگاهی و وضعیت مدیریتی به‌ویژه در سطح کلان استان (مدیران استان)؛

روایی^۱ و پایایی^۲ تحقیق: روایی یا اعتبار استفاده شده در این پژوهش اعتبار صوری است که همراه با اعتبار نمونه‌گیری اعتبار محتوایی را تشکیل می‌دهند. اعتبار صوری بر ارزیابی ذهنی پژوهشگر و داوران از وسیله اندازه‌گیری استوار است. بنابراین، لازم است تا توافق ضمنی افراد فراهم شود. برای این توافق از نظرات اساتید و به‌خصوص از نظرات اساتیدی که در آزمون مقدماتی به پرسشنامه اولیه جواب داده‌اند، استفاده شده است. سنجش پایایی طیف‌ها براساس ضوابط سازگاری درونی است. برای حذف گویه‌های نامناسب، هریک از گویه‌ها با جمع نمرات مجموعه گویه‌ها در ارتباط گذاشته شده است و از روی میزان همبستگی با سایر گویه‌ها، پایایی آنها تشخیص داده می‌شود. یکی از روش‌هایی که بدین نحو عمل می‌کند، استفاده از معیار آلفای کرونباخ است. پایایی متغیرهای پژوهش از طریق معیار آلفای کرونباخ به‌دست آمده است که در جدول ذیل بیان می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ متغیرها نشان می‌دهد که گویه‌های تشکیل‌دهنده متغیرها از میزان همبستگی بالاتری برخوردار بوده‌اند و پایایی شاخص‌های ساخته شده تحقیق در سطح قابل قبولی است.

1. Validity
2. Reliability

جدول ۱- مقدار آلفای متغیرهای اصلی تحقیق

مقدار	متغیرهای اصلی تحقیق
۰/۹۲۴۹	تمایل به مهاجرت به خارج از استان
۰/۹۱۲۰	عوامل اقلیمی- جغرافیایی
۰/۷۴۶۱	عوامل اقتصادی
۰/۷۸۴۵	عوامل امنیتی
۰/۸۱۷۵	عوامل اجتماعی- فرهنگی
۰/۷۰۲۲	عوامل خدماتی- رفاهی
۰/۶۵۳۳	عوامل مدیریتی

یافته‌های تحقیق

الف. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

- ۱- ۲۸/۳ درصد اساتید از دانشگاه‌های علوم و تحقیقات و آزاد اسلامی واحد اهواز، ۲۶/۵ درصد دانشگاه شهید چمران، ۲۰/۵ درصد دانشگاه پیام نور اهواز، ۱۶/۸ درصد دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور، ۶/۳ درصد دانشگاه کشاورزی رامین و ۱/۳ درصد از دانشکده نفت اهواز بوده‌اند.
- ۲- ۶۳/۸ درصد اساتید دارای مدرک تحصیلی دکتری، ۳۵/۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲۱ درصد دکتری تخصصی (پزشکی) می‌باشند.
- ۳- ۵۱/۳ درصد اساتید، استادیار، ۳۷/۵ درصد مربی، ۹/۳ دانشیار و ۱/۸ درصد استاد بوده‌اند.
- ۴- ۶۴/۳ درصد اساتید دانش‌آموخته در داخل کشور، ۱۶/۵ درصد در خارج از کشور و نیز ۱۸/۵ درصد هم در داخل کشور و هم در خارج از کشور بوده‌اند.
- ۵- ۸۷/۸ درصد اساتید تجربه زندگی در استان دیگر را داشته و ۱۱ درصد نداشتند.
- ۶- ۴۵/۵ درصد اساتید دارای سابقه کار ۱۰-۱ سال، ۳۹/۳ درصد بین ۲۰-۱۱ سال و ۱۵/۲ درصد بالاتر از ۲۰ سال می‌باشند.
- ۷- از نظر وضعیت استخدامی ۲۷ درصد اساتید حق‌التدریس، ۲۵ درصد رسمی- قطعی، ۲۱/۸ درصد رسمی- آزمایشی، ۱۹/۸ درصد پیمانی و ۲/۳ درصد طرح سربازی بوده‌اند.
- ۸- ۸۶/۳ درصد اساتید مرد، ۱۳/۸ درصد زن بوده، ۹۰/۳ درصد متأهل و ۹/۳ درصد مجرد بوده‌اند.
- ۹- محل تولد ۵۸/۸ درصد اساتید استان خوزستان و ۳۹/۳ درصد سایر استان‌ها بوده است.

ب. یافته‌های توصیفی تحقیق

۱- در صورت مهاجرت: ۵۷/۸ درصد اساتید تهران را به‌عنوان مقصد مهاجرت خود برمی‌گزینند. ۱۵/۵ درصد کرج، ۱۰/۳ اصفهان، ۵/۵ درصد شیراز، ۳/۰ درصد مشهد، ۰/۸ درصد همدان و ۶/۸ درصد سایر شهرهای کشور را برای مهاجرت ترجیح می‌دهند.

۲- میزان تمایل اساتید به مهاجرت به خارج از استان: ۱۵/۳ درصد اساتید به گویه‌ی «تمایل به مهاجرت به خارج از استان بعد از اتمام دوران خدمت و بازنشستگی» پاسخ در حد خیلی کم و کم، ۲۳ درصد پاسخ تاحدودی و ۶۰/۶ درصد پاسخ در حد خیلی زیاد و زیاد داده‌اند. همچنین ۱۸/۱ درصد به گویه «تمایل به مهاجرت به خارج از استان در صورت فراهم شدن شرایط کاری و امکانات زندگی» پاسخ در حد خیلی کم و کم، ۲۳ درصد پاسخ «تاحدودی» و ۵۷/۵ درصد پاسخ در حد خیلی زیاد و زیاد داده‌اند. دیگر این که ۶۳/۳ درصد اساتید به گویه «تمایل به مهاجرت به خارج از استان در صورت به‌دست آوردن جایگاهی پایین‌تر از شایستگی خود» پاسخ در حد خیلی کم و کم و ۲۰/۳ درصد پاسخ تاحدودی داده‌اند و تنها ۱۴/۸ درصد اساتید حتی در این شرایط تمایل در حد زیاد و خیلی زیاد برای مهاجرت به خارج از استان نشان داده‌اند.

جدول ۲- میزان تمایل اساتید به مهاجرت به خارج از استان

گویه‌ها	بسیار کم	کم	تاحدودی	زیاد	بسیار زیاد	میانگین	انحراف معیار
تمایل به مهاجرت به خارج از استان بعد از اتمام دوران خدمت و بازنشستگی	۴/۸	۱۰/۵	۲۳	۲۹/۸	۳۰/۸	۱/۳	۱۰۰/۰
تمایل به مهاجرت به خارج از استان در صورت فراهم شدن شرایط کاری و امکانات زندگی	۵/۸	۱۲/۳	۲۳	۲۷	۳۰/۵	۱/۵	۱۰۰/۰
تمایل به مهاجرت به خارج از استان در صورت به‌دست آوردن جایگاهی پایین‌تر از شایستگی خود	۲۷/۸	۳۵/۵	۲۰/۳	۱۰/۳	۴/۵	۱/۸	۱۰۰/۰

۳- اولویت‌بندی از وضعیت موجود (مجموعه ده شاخص اول عوامل به لحاظ نامطلوب بودن):

در میان مجموعه عوامل، به لحاظ نامطلوب بودن، وضعیت آب و هوایی اهواز با ۹۴/۱ درصد، میزان آلودگی هوا با ۹۳/۶ درصد، وضعیت آب آشامیدنی شهر با ۹۲/۸ درصد، وضعیت پارک‌ها و مکان‌های تفریحی شهر با ۷۸/۸ درصد، میزان وقوع جرائم در شهر اهواز با ۷۵/۵ درصد، وضعیت امنیت اجتماعی در خیابان‌ها، مراکز خرید و سایر اماکن عمومی با ۷۴/۶ درصد، وضعیت خدمات پزشکی و درمانی شهر با ۷۴ درصد، میزان بیماری‌های فصلی با ۷۳/۳ درصد، میزان فضای سبز در شهر با ۷۲/۶ درصد و کیفیت و نحوه ارائه خدمات شهری با ۷۲/۳ درصد

در رتبه‌های اول تا دهم قرار دارند.

۴- اولویت‌بندی از میزان تأثیر مجموعه عوامل بر گرایش به مهاجرت (ده شاخص اول): از میان مجموعه عوامل به لحاظ تأثیرگذاری بر گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان، میزان آلودگی هوا با ۸۹/۸ درصد، وضعیت آب و هوایی با ۸۶ درصد، وضعیت آب آشامیدنی شهر با ۷۲/۶ درصد، میزان بیماری‌های فصلی با ۶۵/۳ درصد، وضعیت خدمات پزشکی و درمانی شهر با ۶۴/۳ درصد، ضریب امنیت خانواده با ۶۴ درصد، وضعیت امنیت اجتماعی در خیابان‌ها، مراکز خرید و سایر اماکن عمومی با ۶۳/۱ درصد، عدم تناسب میزان بدی آب و هوا با هزینه‌های ناشی از آن با ۶۳ درصد، میزان وقوع جرائم در شهر اهواز با ۶۲/۵ درصد و وضعیت پارک‌ها و مکان‌های تفریحی شهر با ۵۸/۸ درصد در رتبه‌های اول تا دهم قرار دارند.

ج. تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه‌های تحقیق

۱- رابطه بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد و تجربه اقامتی با تمایل به مهاجرت

برای شناخت رابطه بین تمایل به مهاجرت (به عنوان متغیر وابسته) و متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد و تجربه اقامتی از آزمون T استفاده شده است. با توجه به میانگین‌های دو گروه اساتید مرد و زن و سطح معنی‌داری (۰/۹۵۴) ملاحظه می‌شود که از لحاظ تمایل اساتید دانشگاه‌های اهواز به مهاجرت به خارج از استان، بین اساتید زن و تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین با توجه به میانگین‌های دو گروه مجرد و متأهل و سطح معنی‌داری (۰/۴۸۳) ملاحظه می‌شود که از لحاظ تمایل به مهاجرت، بین اساتید متأهل و مجرد تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. دیگر این که مقایسه میانگین‌های دو گروه اساتید نشان می‌دهد که بین اساتید متولد استان خوزستان و متولد سایر استان‌ها از لحاظ تمایل به مهاجرت در سطح یک درصد تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بدین معنا که اساتید متولد سایر استان‌ها با میانگین ۱۰/۵۳ (در بازه ۵ تا ۱۵) نسبت به اساتید متولد استان خوزستان با میانگین ۹/۴۳ تمایل بیشتری برای مهاجرت به خارج از استان نشان داده‌اند. همچنین از لحاظ تمایل اساتید به مهاجرت، بین اساتیدی که تجربه اقامت و زندگی در استان‌های دیگر را داشته‌اند و اساتیدی که این تجربه را نداشته‌اند، در سطح یک درصد تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به طوریکه اساتیدی که تجربه اقامت و زندگی در استان‌های دیگر را داشته‌اند، با میانگین ۱۰/۰۷ (در بازه ۵ تا ۱۵) نسبت به اساتیدی که از این تجربه محروم بوده‌اند، با میانگین ۸/۷۵ تمایل بیشتری برای مهاجرت به خارج از استان نشان داده‌اند.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین تمایل به مهاجرت اساتید بر حسب جنسیت، وضعیت تأهل، محل تولد و تجربه اقامتی

متغیرها	مقوله ها	N	میانگین	مقدار T	سطح معنی‌داری
جنسیت	مرد	۳۴۵	۹/۹۰	-۰/۰۵۸	۰/۹۵۴
	زن	۵۵	۹/۹۲		
وضعیت تأهل	مجرد	۳۷	۱۰/۱۸	۰/۷۰۱	۰/۴۸۳
	متاهل	۳۶۱	۹/۸۶		
محل تولد	استان خوزستان	۲۳۵	۹/۴۳	-۴/۰۲	۰/۰۰۰
	سایر استان‌ها	۱۵۷	۱۰/۵۳		
تجربه اقامتی	خیر	۳۵۱	۸/۷۵	-۳/۰۹	۰/۰۰۲
	بلی	۴۴	۱۰/۰۷		

۲- رابطه بین متغیرهای دانشگاه محل خدمت، مدرک تحصیلی، مرتبه علمی، سابقه کار و وضعیت استخدامی با تمایل به مهاجرت

مقدار آزمون $F(2/50)$ با سطح معنی‌داری 0.022 نشان می‌دهد که بین دانشگاه محل خدمت اساتید و میزان تمایل به مهاجرت آنها تفاوت وجود دارد. یعنی دانشگاه محل خدمت بر تمایل به مهاجرت اثرگذار بوده است. بیش‌ترین میزان تمایل به مهاجرت به اساتید دانشگاه شهید چمران با میانگین $9/96$ (دربازه ۵ تا ۱۵) مربوط است. اما بین مدرک تحصیلی و گرایش به مهاجرت تفاوت معنی‌داری مشاهده نمی‌شود. همچنین از نظر مرتبه علمی، بین اساتید تفاوت معنی‌داری از نظر تمایل به مهاجرت وجود ندارد؛ هر چند افرادی که حائز مرتبه استادی بوده‌اند؛ با میانگین $11/42$ تمایل بیشتری به مهاجرت نشان داده‌اند. دیگر این‌که مطابق با جدول شماره ۴ اساتید دارای سابقه کار بیش از ۲۰ سال با میانگین $10/04$ تمایل بیشتری برای مهاجرت به خارج از استان داشته‌اند؛ اما این تفاوت معنی‌دار نیست. در ادامه مقدار $F(3/85)$ با سطح معنی‌داری 0.002 نشان می‌دهد که بین وضعیت استخدامی اساتید و میزان تمایل به مهاجرت آنها تفاوت وجود دارد. یعنی وضعیت استخدامی بر تمایل به مهاجرت اثرگذار بوده است. بیش‌ترین میزان تمایل به مهاجرت مربوط به اساتید حق‌التدریس با میانگین $10/06$ (دربازه ۵ تا ۱۵) است.

عوامل مؤثر در گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان خوزستان — ۱۲۱

جدول ۴- رابطه بین تمایل به مهاجرت با متغیرهای دانشگاه محل خدمت، مدرک تحصیلی، مرتبه علمی، سابقه کار و وضعیت استخدامی

متغیرها	مقوله‌ها	مشاهدات	میانگین	مقدار F	سطح معنی‌داری
خدمت دانشگاه محل	دانشگاه شهید چمران	۱۰۶	۹/۹۶	۲/۵	۰/۰۲۲
	دانشگاه پیام نور	۸۲	۹/۵۳		
	دانشگاه کشاورزی رامین	۲۵	۹/۵۲		
	دانشگاه آزاد اسلامی	۱۱۳	۹/۵۰		
مدرک تحصیلی	دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور	۶۷	۸/۶۴	۰/۵۳۲	۰/۶۶
	کارشناسی ارشد	۱۴۳	۹/۶۴		
	دکتری	۱۷۱	۹/۲۸		
مرتبه علمی	دکتری تخصصی	۸۴	۹/۴۷	۱/۵۱	۰/۱۹۷
	مربی	۱۵۰	۹/۵۲		
	استادیار	۲۰۵	۹/۳۵		
	دانشیار	۳۷	۹/۹۱		
سابقه کار	استاد	۷	۱۱/۴۲	۱۱/۷۹	۰/۱۶۷
	۱۰-۱ سال	۱۸۲	۹/۳۶		
	۲۰-۱۱ سال	۱۵۷	۹/۴۵		
وضعیت استخدامی	بیش از ۲۰ سال	۶۱	۱۰/۰۴	۳/۸۵	۰/۰۰۲
	پیمانی	۷۹	۹/۱۸		
	رسمی - آزمایشی	۸۷	۹/۷۲		
	رسمی - قطعی	۱۰۰	۹/۳۵		
	حق التدریس	۱۰۸	۱۰/۰۶		

۳- رابطه بین میزان تمایل به مهاجرت با ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقلیمی - جغرافیایی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی - اجتماعی، خدماتی - رفاهی و مدیریتی برای شناخت همبستگی بین متغیرهای فاصله‌ای تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.^۱ با توجه به مقدار معنی‌داری روابط می‌توان گفت بین تمایل به مهاجرت اساتید به خارج از استان با متغیرهای ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقلیمی - جغرافیایی و ارزیابی از وضعیت موجود عوامل امنیتی در سطح ۰/۰۱ و بین تمایل به مهاجرت با متغیرهای ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقتصادی، ارزیابی از وضعیت موجود عوامل فرهنگی - اجتماعی و ارزیابی از وضعیت موجود عوامل خدماتی - رفاهی در سطح ۰/۰۵ رابطه وجود دارد. همچنین بین تمایل به مهاجرت با ارزیابی از وضعیت موجود عوامل مدیریتی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. با توجه به مقدار پیرسون موارد ذیل را می‌توان بیان نمود. با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری بین ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقلیمی - جغرافیایی و میزان تمایل به مهاجرت وجود دارد. مقدار پیرسون به دست آمده (۰/۲۲۸-) بیانگر رابطه معکوس و متوسط بین این دو

۱. پیرسون از روشهای پرکاربرد جهت تعیین میزان رابطه بین دو متغیر فاصله‌ای یا نسبی محسوب می‌شود. برای بیشتر متغیرهای تحقیق که در اصل ترتیبی بودند، نمره فاصله‌ای از طریق ترکیب چندین گویه محاسبه شده است.

متغیر است. به عبارتی هرچه ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقلیمی - جغرافیایی در استان نامطلوب‌تر باشد، میزان تمایل به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان نیز افزایش می‌یابد. همچنین با اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی‌داری بین ارزیابی از وضعیت موجود عوامل امنیتی در شهر اهواز و میزان تمایل به مهاجرت وجود دارد. مقدار پیرسون به دست آمده (۰/۲۰۲-) بیانگر رابطه معکوس و متوسط بین این دو متغیر است. به عبارتی هرچه ارزیابی از وضعیت موجود عوامل امنیتی در اهواز نامطلوب‌تر باشد؛ میزان تمایل به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان نیز افزایش می‌یابد. بین ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقتصادی در اهواز و گرایش به مهاجرت یک همبستگی معکوس در سطح ضعیف وجود دارد. به طوری که با تغییرات ارزیابی از وضعیت موجود عوامل اقتصادی در یک فرد گرایش به مهاجرت نیز در وی دچار نوسان می‌شود. با افزایش مطلوبیت عوامل اقتصادی در شهر اهواز، گرایش به مهاجرت نیز کاهش و با کاهش آن گرایش به مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. ارزیابی نامطلوب از وضعیت موجود عوامل فرهنگی - اجتماعی نیز یکی از عوامل مؤثر بر افزایش گرایش به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز به خارج از استان است. مقدار و جهت آزمون پیرسون (۰/۰۹۸-) این گفته را تأیید می‌نماید. باید یادآور شد که مقدار همبستگی بین دو متغیر یاد شده در سطح ضعیف می‌باشد. همچنین هرچقدر ارزیابی از وضعیت موجود عوامل خدماتی - رفاهی در شهر اهواز نامطلوب‌تر باشد؛ با توجه به مقدار پیرسون (۰/۱۱۶-) و سطح معناداری (sig=۰/۰۲) مشاهده شده، تمایل به مهاجرت افزایش می‌یابد. ارزیابی از وضعیت موجود عوامل مدیریتی تأثیری در تمایل به مهاجرت اساتید دانشگاه‌های اهواز نداشته است. مقدار سطح معنی‌داری (۰/۶۲۶) این گفته را تأیید می‌نماید.

جدول ۵- آزمون همبستگی پیرسون بین میزان تمایل به مهاجرت با متغیرهای تحقیق

متغیرهای تحقیق	عوامل اقلیمی - جغرافیایی	عوامل اقتصادی	عوامل امنیتی	عوامل فرهنگی - اجتماعی	عوامل خدماتی - رفاهی	عوامل مدیریتی
میزان تمایل به مهاجرت	۰/۲۲۸-	۰/۱۲۵-	۰/۲۰۲-	۰/۰۹۸-	۰/۱۱۶-	۰/۰۲۴-
مقدار پیرسون	۰/۰۳۶	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۰۲۰	۰/۰۲۶
سطح معنی‌داری						

بحث و نتیجه‌گیری

استان خوزستان از جمله استان‌های کشور است که به دلیل موقعیت استراتژیک، وجود بخش اعظم منابع نفت و گاز ایران و صنایع وابسته به آن، مجتمع‌های بزرگ صنعتی، خاک

مناسب و آب کافی برای کشاورزی (طرح توسعه نیشکر و صنایع جانبی آن)، شیلات و نقش بارز استان در تولید نیروی برق کشور، جنگ تحمیلی بین ایران و عراق و پیامدهای مخرب آن که با گذشت بیش از دو دهه از پایان آن هم‌چنان بر روی زندگی مردم این استان خودنمایی می‌کند و همچنین پدیده حاشیه‌نشینی و وقوع مهاجرت‌های گسترده (هم به علت جنگ هشت ساله و هم به دلیل وقوع تغییرات در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی در استان) و نظایر آن مورد توجه اندیشمندان و محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است. از محورهای مورد بحث، پدیده مهاجرت در این استان است که در بیشتر موارد به عنوان یک مسئله اجتماعی و اقتصادی توجه شده است.

مطالعه جریان‌های مهاجرت این استان در طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که در دهه ۶۵-۵۵ به دلیل جنگ تحمیلی این استان با خالص مهاجرت ۲۶۷۶۴۴- در صدر مهاجر فرست‌ترین استان‌های کشور بوده است. در دهه ۷۵-۶۵ به دلیل حجم مهاجران برگشتی، این استان با خالص مهاجرت ۶۱۳۴۹+ بعد از استان‌های تهران و اصفهان بیشترین خالص مهاجرت پذیری را داشته است. در دهه ۸۵-۷۵ دوباره وضعیت دهه ۶۰ تکرار شده، به طوری که بعد از استان‌های آذربایجان شرقی و کرمانشاه کمترین خالص مهاجرت (۱۰۸۲۱۲-) را داشته است. ملاحظه می‌شود که طی سه دهه گذشته این استان در معرض مهاجرت‌های شدید جمعیتی قرار گرفته است. در این روند مهاجرت، توجه به کیفیت نیروی انسانی جابه‌جا شده از محورهای مهم مورد بررسی است. با توجه به نقش نیروی انسانی تحصیل کرده و متخصص در پیشرفت و توسعه یک جامعه، در این مقاله اساتید دانشگاه‌های اهواز از لحاظ گرایش به مهاجرت و عوامل تعیین کننده آن مورد بررسی قرار گرفته است. فیش‌باین و آیزن از صاحب نظران حوزه رفتار، معتقدند که گرایش به یک رفتار از عوامل تعیین کننده و زمینه‌ساز شکل‌گیری رفتار است.

سنجش گرایش به مهاجرت اساتید مورد بررسی نشان می‌دهد که آنان گرایش بیشتری جهت خارج شدن از استان خوزستان دارند. به طوری که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان معتقد بودند که بعد از بازنشستگی و یا در صورت فراهم شدن شرایط کاری و امکانات زندگی، به احتمال زیاد به خارج از استان خوزستان مهاجرت خواهند کرد. نکته قابل توجه، وجود ۱۵ درصد از اساتیدی بود که حتی در صورت به دست آوردن جایگاهی پایین‌تر از شایستگی خود، گرایش بالایی برای خارج شدن از استان خوزستان داشتند. این گرایش بالای اساتید به مهاجرت به خارج از استان خوزستان، از عوامل متعددی می‌تواند متأثر گردد. با توجه به مبانی نظری و شرایط خاص استان خوزستان و جامعه آماری (اساتید دانشگاه‌ها)، به برخی از مهمترین عوامل تبیین کننده اشاره می‌شود.

اساتید متولد سایر استان‌ها و همچنین آن‌هایی که تجربه اقامت در سایر استان‌ها را داشته‌اند، نسبت به اساتید متولد استان خوزستان و کسانی که در خارج از این استان تجربه زندگی نداشتند، گرایش بیشتری به مهاجرت به خارج از استان دارند. تأثیر تجربه اقامت در یک محیط خارجی بر گرایش به مهاجرت به خارج از محل سکونت، فرضیه اثبات شده‌ای است که در مطالعه کاظمی‌پور و قاسمی‌اردهائی (۱۳۸۶) نیز به آن اشاره شده است. مطابق با تئوری محرومیت نسبی، این تأثیر می‌تواند از مقایسه محیط مبدأ با یک محیط خارجی که فرد با آن آشنایی دارد، حاصل شود. این محرومیت نسبی اساتید از طریق وضعیت استخدامی آنان نیز قابل پیگیری است. به طوری که اساتید حق‌التدریس نسبت به اساتید پیمانی و رسمی، گرایش بیشتری جهت خارج شدن از استان دارند. بنابراین، نیاز اساتید حق‌التدریس خوزستانی به وضعیت استخدامی تثبیت شده، سبب می‌شود که آن‌ها استان دیگری را برای زندگی خود ترجیح دهند.

بررسی تأثیر مؤلفه‌های مفهوم کششی و رانشی شهر اهواز به گرایش به مهاجرت اساتید به خارج از استان نشان می‌دهد که عامل اقلیمی - جغرافیایی بیشترین تأثیر (۰/۲۲۸-) را بر گرایش به مهاجرت اساتید دارد. بعد از این عامل، به ترتیب عوامل امنیتی (۰/۲۰۲-)، اقتصادی (۰/۱۲۵-)، خدماتی - رفاهی (۰/۱۱۶-) و فرهنگی - اجتماعی (۰/۰۹۸-) قرار می‌گیرند. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت و مهم بودن عوامل رانشی شهر اهواز نسبت به عوامل کششی استان‌های دیگر در نزد اساتید شهر اهواز است. از این منظر، سهم و وزن عامل دافعه اورت لی و عامل فایده مدل هزینه- فایده نسبت به همتهای جاذبه و هزینه بیشتر است. بر این اساس، بیشترین برنامه‌ریزی باید در جهت کاهش دافعه‌های اقلیمی و امنیتی شهر اهواز انجام گیرد. اهتمام بیشتر مسئولین به ارتقاء مقوله امنیت در استان، برنامه‌ریزی به‌منظور کاهش فاصله در شاخص‌های توسعه انسانی استان با استان‌های تراز اول کشور، گسترش شهرک‌ها و پارک‌های علمی - پژوهشی و مراکز تحقیقاتی جدید و متناسب با اولویت‌های توسعه استانی، از مواردی است که می‌تواند در ایجاد گرایش مثبت نزد اساتید اهواز نسبت به استان خوزستان و شهر اهواز مؤثر باشد.

منابع

- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰) «مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۵، صص ۴۳-۶۰.
- ارشاد، فرهنگ و عزیز حزباوی (۱۳۸۴) «بررسی برخی انگیزه‌های تمایل به برون‌کوچی از شهر اهواز»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲، صص ۱۲۰-۱۰۷.
- اسکلدون، رونالد (۱۳۸۰) «مهاجرت روستائیان به شهر و اثرات آن در کاهش فقر روستایی»، ترجمه حمیدرضا وجدانی، فصلنامه جمعیت، شماره‌های ۳۷ و ۳۸، صص ۱۳۰-۱۱۲.
- تودارو، مایکل (۱۳۶۷) «مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه مصطفی سردمدی و پروین رئیسی فرد، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- حاجی حسینی، حسین (۱۳۸۴) «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت خارج از استان در بین افراد تحصیل کرده‌ی ادارات دولتی شهر اهواز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی استان خوزستان.
- حزباوی، عزیز (۱۳۸۶) «بررسی پدیده مهاجرت جوانان در شهر اهواز، معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی خوزستان»، گزارش منتشر نشده.
- رجبی، مسعود (۱۳۸۰) «بررسی میزان و عوامل گرایش به مهاجرت از کشور، مطالعه نظری همراه با تحقیقی در بین دانشجویان فنی دانشگاه تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- شریفی، منصور (۱۳۷۶) «بررسی گرایش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های تهران به مهاجرت از کشور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- قلابی، محمدرضا (۱۳۸۸) «گزیده شاخص‌ها و نماگرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان خوزستان»، دفتر آمار و اطلاعات استانداری خوزستان.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۴) «تحرك اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران»، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- کاظمی پور، شهلا و علی قاسمی اردهائی (۱۳۸۶) «تجربه اقامتی و تمایل به مهاجرت به شهر تهران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۴۸-۱۳۰.
- مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵) «تحلیل آماری مهاجرت در استان خوزستان»، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان.
- Massey, Douglas S. (1990) "Social Structure, Household Strategies, & the Cumulative Causation of Migration", *Population Index*, 56(1): 3-26.
- Massey, Douglas S., Joaquin Arango, Graeme Hugo, Ali Kouaouci, Adela Pellegrino & J. Edward Taylor (1993) "Theories of International Migration: A Review and Appraisal", *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- Stark, Oded (1984) "Rural-to-Urban Migration in LDCs: A Relative Deprivation Approach", *Economic Development & Cultural Change*, 32: 475-485.